

سهام سته و صاحبان آن در قرآن کریم*

محمد کاظمی**

مقدمه

سهامی که از ارث و ترکه متوفی به ورث می‌رسد، بر دو نوع است:

۱- **بالقربة:** برای سهام این قسم، مقدار خاصی در قرآن کریم مشخص نشده است و به طور کلی خویشاوندان میت، صاحبان این سهام معرفی شده‌اند.

آیه شریفه زیر به این قسم از سهام اشاره کرده است:

«و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله»^۲

۲- **بالفرض:** برای سهام این قسم، مقدار خاصی در قرآن کریم مشخص شده

است و صاحبان آن‌ها نیز معرفی شده‌اند. این سهام، شش تا هستند که در کتب فقهی

به «سهام سته» معروف شده‌اند. این سهام عبارتند از:

«النصف (یک دوم)، الربع (یک چهارم)، الثمن (یک هشتم)، الثلثان (دوسوم)،

* نوشته حاضر یک مقاله نیست بلکه صرف یک گزارش علمی می‌باشد.

** طلبه پایه ششم مدرسه شهیدین (ره)

الثالث (یک سوم)، السدس (یک ششم)»
ما در این تحقیق، به قسم دوم (یعنی سهام بالفرض یا همان سهام سته) می‌پردازیم و سعی داریم پس از بیان معنای لغوی کلمه «سهام»، به طور تفصیلی به معرفی سهام سته و صاحبان آن در قرآن کریم پرداخته و سپس صور اجتماع هر یک از این سهام با سهام دیگر را بررسی کنیم.

۱. معنای لغوی «سهام»

در مورد لغت «سهام»:

در کتاب مصباح المنیر آمده است:

«السَّهْمُ: النَّصِيبُ وَالْجَمْعُ (أَسْهَمٌ) وَ (سِهَامٌ) وَ (سُهْمَانٌ) بِالضَّمِّ»^۳

و نیز در لسان العرب آمده است:

«السَّهْمُ: وَاحِدُ السَّهَامِ. وَ السَّهْمُ: النَّصِيبُ...»^۴

همچنین در کتاب فرهنگ ابجدی این گونه ترجمه شده است:

«السَّهْمُ: نَصِيبٌ وَ قِسْمٌ يَأْتِي شَانِسًا»^۵

۲. بررسی سهام سته و صاحبان آن در قرآن کریم

در این فصل با توجه به آیات قرآن کریم، به بررسی تفصیلی سهام سته و معرفی

صاحبان آن می‌پردازیم:

۲-۱. النصف (یک دوم)

در قرآن کریم این سهمیه به چهار گروه اختصاص داده شده است:

۳. احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ص ۲۹۳

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۰۸

۵. فواد افرام بستانی، فرهنگ ابجدی، ص ۵۰۳



۱. زوج (در صورتی که زوجه متوفی، فرزند یا نوه نداشته باشد): «و لکم نصف ما ترک أزواجکم إن لم یکن لهنّ ولد»^۶
۲. تک دختر (به شرط این که متوفی، پسر نداشته باشد): «و إن کانت واحدةً فلها النصف»^۷
۳. تک خواهر پدری و مادری (به شرط این که میت، برادر نداشته باشد): «و له أختٌ فلها نصف ما ترک»
۴. تک خواهر پدری (به شرط این که متوفی، برادر و خواهر ابوینی نداشته باشد): «و له أختٌ فلها نصف ما ترک»^۸

۲-۲. نصف النصف (الرّبع: یک چهارم)

در قرآن کریم این سهمیه به دو گروه اختصاص یافته است:

۱. زوج (در صورتی که زوجه متوفی، فرزند یا نوه داشته باشد): «فإن کان لهنّ ولدٌ فلکم الرّبع ممّا ترکن»^۹
۲. زوجه (در صورتی که زوج متوفی، فرزند یا نوه نداشته باشد): «و لهنّ الرّبع ممّا ترکتم إن لم یکن لکم ولد»^{۱۰}

۲-۳. نصف نصف النصف (الثمن: یک هشتم)

در قرآن کریم این سهمیه تنها به یک گروه اختصاص داده شده است:

۶. النّساء: ۱۲

۷. النّساء: ۱۱

۸. النّساء: ۱۷۶

۹. النّساء: ۱۲

۱۰. همان



زوجه (در صورتی که زوج متوفی، فرزند یا نوه داشته باشد): «فَإِنْ كَانَ لَكُمْ
وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ»^{۱۱}

۴-۲. الثُّنَّان (دو سوم)

در قرآن کریم این سهمیه به سه گروه اختصاص یافته است:

- ۱- دو دختر به بالا (به شرط این که میت، پسر نداشته باشد): «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً
فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ»^{۱۲}
- ۲- دو خواهر پدری و مادری به بالا (اگر متوفی، برادر نداشته باشد): «فَإِنْ
كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّنَّانِ مِمَّا تَرَكَ»
- ۳- دو خواهر پدری به بالا (اگر میت برادر و خواهر ابوینی نداشته باشد):
«فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّنَّانِ مِمَّا تَرَكَ»^{۱۳}

۴-۲. نصف الثُّنَّان (الثلث: یک سوم)

در قرآن کریم این سهمیه به دو گروه اختصاص داده شده است:

- ۱- مادر (به شرط این که فرزند یا إخوة حاجب او نباشند): «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ
وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ»^{۱۴}
- ۲- برادران و خواهران مادری^{۱۵}: «فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي

۱۱. النِّسَاء: ۱۲

۱۲. النِّسَاء: ۱۱

۱۳. النِّسَاء: ۱۷۶

۱۴. النِّسَاء: ۱۱

۱۵. دو نفر یا بیشتر از کلالة الأم (خواه همه مذکر، یا همه مؤنث، یا برخی مذکر و برخی مؤنث باشند).



الثُّلُثُ^{۱۶}

۲-۶. نصف نصف الثُّلُثان (السدس: یک ششم)

در قرآن کریم این سهمیه به سه گروه اختصاص یافته است:

۱- پدر و مادر (در صورتی که متوفی فرزند داشته باشد): «وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ

وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَوَلَدٌ»^{۱۷}

۲- مادر (در صورتی که فرزند یا إخوه حاجبش شوند): «إِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ

فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ»^{۱۸}

۳- تک برادر و تک خواهر مادری: «وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَ

لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ»^{۱۹}

۳. صورت‌های اجتماع سهام با یکدیگر

از ضرب سهام شش گانه (یعنی: نصف، ربع، ثمن، ثلثان، ثلث، سدس) در یکدیگر، سی و شش حالت به دست می‌آید که با حذف صور تکراری (پانزده صورت)، بیست و یک صورت باقی می‌ماند که برخی از آنها ممکن و برخی دیگر ممتنع می‌باشد. صور ممتنع نیز خود بر دو قسمند: در برخی صورت‌ها، اساساً اصل اجتماع ممکن نیست و در برخی دیگر، اصل اجتماع امکان پذیر است و در ابتدا تحقق می‌یابد؛ لکن مشکل زیادی سهام بر ترکیه یا اصطلاحاً «عول» پیش می‌آید و از آن جا که عول باطل است، این صور ممتنع می‌شوند.

در این جا به بررسی جمیع سی و شش صورت می‌پردازیم و ممکن یا ممتنع یا

۱۶. النِّسَاء: ۱۲

۱۷. النِّسَاء: ۱۱

۱۸. همان

۱۹. النِّسَاء: ۱۲



تکراری بودن آن‌ها را مشخص می‌کنیم:

۳-۱. صورت‌های اجتماع نصف (یک دوم) با سهام دیگر:

۱- اجتماع نصف با نصف: ممکن

مثال: وراثت متوفی، زوج با یک خواهر هستند (به هر کدام نصف ترکه می‌رسد و چیزی اضافه نمی‌آید).

۲- اجتماع نصف با ربع: ممکن

مثال اول: وراثت، زوج با یک خواهر باشند (که به زوج، ربع و به خواهر، نصف می‌رسد و یک چهارم ترکه اضافه می‌آید).

مثال دوم: وراثت، زوج با یک دختر باشند (زوج، ربع و دختر، نصف ترکه را می‌گیرد و ربع ترکه، اضافه می‌آید).

۳- اجتماع نصف با ثمن: ممکن

مثال: وراثت میّت، زوج با یک دختر هستند (که به زوج، یک هشتم و به دختر، نصف می‌رسد و سه هشتم ترکه اضافه می‌آید).

۴- اجتماع نصف با ثلثین: ممتنع (اصل اجتماع، امکان پذیر است؛ لکن مشکل عول پدید می‌آید)

مثال: وراثت متوفی، زوج با دو یا چند خواهر باشند (طبق قاعده باید به زوج، نصف و به خواهران، دوسوم ترکه را بدهیم؛ لکن مجموع سهام، هفت ششم می‌شود؛ یعنی مشکل عول یا همان زیادی سهام بر فریضه پیش می‌آید که برای حلّ این مشکل در فقه امامیه، زوج سهم خود را کامل می‌گیرد و نقص بر خواهران وارد می‌شود و از سهم آنان، یک ششم کم می‌شود).

۵- اجتماع نصف با ثلث: ممکن

مثال اول: وراثت میّت، زوج با مادر باشند (که زوج، یک دوم و مادر، یک سوم از



ترکه را می‌گیرند و یک ششم اضافه می‌آید.)

مثال دوم: وراثت میت، خواهران و برادران مادری با یک خواهر پدری باشند (که خواهران و برادران امی، یک سوم و تک خواهر اُبی، یک دوم ترکه را می‌گیرند و یک ششم نیز اضافه می‌آید.)

۶- اجتماع نصف با سدس: ممکن

مثال اول: وراثت متوفی، زوج با تک برادر و تک خواهر مادری هستند (زوج، یک دوم و تک برادر یا تک خواهر مادری، یک ششم را می‌گیرند و دو ششم ترکه اضافه می‌آید.)

مثال دوم: وراثت متوفی، تک دختر با مادر هستند (به تک دختر، نصف و به مادر، سدس ترکه می‌رسد و دو ششم اضافه می‌آید.)

مثال سوم: وراثت متوفی، تک خواهر اُبی با کلاله امی واحد هستند (تک خواهر پدری و مادری یا پدری، یک دوم و تک برادر یا تک خواهر مادری، یک ششم می‌گیرند و دو ششم ترکه نیز اضافه می‌آید.)

۲-۳. صورت‌های اجتماع ربع (یک چهارم) با سهام دیگر:

۷- اجتماع ربع با نصف: تکراری (در شماره ۲: ممکن)

۸- اجتماع ربع با ربع: ممتنع (اصل اجتماع، امکان پذیر نیست.)

اصل اجتماع ربع با ربع، امکان پذیر نیست؛ زیرا یک چهارم، سهم زوج با وجود فرزند (برای زوجه) و همچنین سهم زوجه در صورت نبود فرزند (برای زوج) است و این دارای دو اشکال است:

اولاً: وارث یا زوج است و یا زوجه و معنا ندارد که متوفی، هم زوج داشته باشد و هم زوجه.

ثانیاً: ممکن نیست که متوفی، هم فرزند داشته باشد و هم نداشته باشد.



۹- اجتماع ربع با ثمن: ممتنع (اصل اجتماع، امکان پذیر نیست).

اصل اجتماع ربع با ثمن، امکان پذیر نیست؛ زیرا یک هشتم، سهم زوجه با وجود فرزند (برای زوج) است و یک چهارم، سهم زوج با وجود فرزند (برای زوجه) و همچنین سهم زوجه در صورت نبود فرزند (برای زوج) است؛ پس این دو سهم نیز به دلیلی که در شماره قبل گذشت، با یکدیگر قابل اجتماع نیستند.

۱۰- اجتماع ربع با ثلثین: ممکن

مثال اول: ورآث متوفی، زوج با چند دختر هستند (که به زوج، ربع ترکه و به دختران، دو سوم ترکه می‌رسد و یک دوازدهم نیز اضافه می‌آید).
مثال دوم: ورآث متوفی، زوجه با دو خواهر اُبی هستند (که به زوجه، یک چهارم و به خواهران، دو سوم ترکه می‌رسد و یک دوازدهم از ترکه نیز اضافه می‌آید).

۱۱- اجتماع ربع با ثلث: ممکن

مثال اول: ورآث میت، زوجه با مادر باشند. (که زوجه، یک چهارم و مادر، یک سوم ترکه را می‌گیرند و پنج دوازدهم نیز اضافه می‌آید).
مثال دوم: ورآث میت، زوجه با خواهران و برادران مادری باشند (که به زوجه، یک چهارم و به خواهران و برادران اُمی، یک سوم ترکه می‌رسد و پنج دوازدهم از ترکه نیز اضافه می‌آید).

۱۲- اجتماع ربع با سدس: ممکن

مثال اول: ورآث متوفی، زوجه با تک خواهر یا برادر مادری هستند (که زوجه، یک چهارم و خواهر یا برادر اُمی، یک ششم ترکه را می‌گیرند و هفت دوازدهم نیز اضافه می‌آید).

مثال دوم: ورآث متوفی، زوج و پدر یا مادر با پسر هستند (که به زوج، ربع و به پدر یا مادر، یک ششم می‌رسد و باقیمانده به پسر داده می‌شود).



۳-۳. صورت‌های اجتماع ثمن (یک هشتم) با سهام دیگر:

۱۳- اجتماع ثمن با نصف: تکراری (در شماره ۳: ممکن)

۱۴- اجتماع ثمن با ربع: تکراری (در شماره ۹: ممتنع)

۱۵- اجتماع ثمن با ثمن: ممتنع (اصل اجتماع، امکان پذیر نیست).

اجتماع ثمن با ثمن، امکان پذیر نیست؛ زیرا یک هشتم فقط سهم زوجه (حتی اگر متعدّد باشند) با وجود فرزند (برای زوج) می‌باشد؛ بنابراین، اگر زوج چند زن داشته باشد، به همه آن‌ها با هم یک هشتم می‌رسد، نه این که به هر کدام یک هشتم برسد و بدین ترتیب، هرگز اجتماع تحقق پیدا نمی‌کند.

۱۶- اجتماع ثمن با ثلثین: ممکن

مثال: وراثت متوفی، زوجه با دختران باشند (که به زوجه، یک هشتم و به دختران،

دوسوم می‌رسد و پنج بیست و چهارم از ترکه نیز اضافه می‌آید).

۱۷- اجتماع ثمن با ثلث: ممتنع (اصل اجتماع، امکان پذیر نیست).

اجتماع ثمن با ثلث، امکان پذیر نیست؛ زیرا یک هشتم، سهم زوجه با وجود فرزند (برای زوج) است و یک سوم، یا سهم مادر در صورت نبودن فرزند است و یا سهم برادران و خواهران مادری در صورت نبودن فرزند و مادر برای متوفی است و نمی‌شود که میت، هم فرزند داشته باشد و هم نداشته باشد.

۱۸- اجتماع ثمن با سدس: ممکن

مثال: وراثت میت، زوجه و پسر و یکی از ابویین (یعنی پدر یا مادر) هستند (که

زوجه، یک هشتم و پدر یا مادر، یک ششم ترکه را می‌گیرند و هفت بیست و چهارم

ترکه نیز اضافه می‌آید).

۳-۴. صورت‌های اجتماع ثلثین (دو سوم) با سهام دیگر:

۱۹- اجتماع ثلثین با نصف: تکراری (در شماره ۴: ممتنع)



- ۲۰- اجتماع ثلثین با ربع: تکراری (در شماره ۱۰: ممکن)
- ۲۱- اجتماع ثلثین با ثمن: تکراری (در شماره ۱۶: ممکن)
- ۲۲- اجتماع ثلثین با ثلثین: ممتنع (اصل اجتماع امکان پذیر نیست)
اجتماع ثلثین با ثلثین، امکان پذیر نیست؛ زیرا مستلزم دو اشکال است:
اولاً: دو سوم سهم دختران میّت است که در طبقه اول می‌باشند و نیز سهم
خواهران میّت می‌باشد که در طبقه دوم می‌باشند و پر واضح است که با وجود طبقه
اول، طبقه دوم ارث نمی‌برد.^{۲۰}
ثانیاً: اجتماع دو سوم با دو سوم مستلزم عول است که باطل می‌باشد.
- ۲۳- اجتماع ثلثین با ثلث: ممکن
مثال: وراثت متوفی، برادران و خواهران مادری با خواهران پدری هستند (که به
برادران و خواهران امی، دو سوم و به خواهران اُبی، یک سوم می‌رسد و چیزی از
ترکه باقی نمی‌ماند).
- ۲۴- اجتماع ثلثین با سدس: ممکن
مثال اول: وراثت میّت، دختران با یکی از ابوین (پدر یا مادر) باشند (که دختران،
دو سوم و پدر یا مادر، یک ششم ترکه را می‌گیرند و یک ششم نیز اضافه می‌ماند).
مثال دوم: وراثت متوفی، خواهران پدری با تک برادر یا تک خواهر مادری باشند
(که به خواهران اُبی، دو سوم و به تک برادر یا خواهر امی، یک ششم ترکه می‌رسد و
یک ششم نیز اضافه می‌آید).

۳-۵. صورت‌های اجتماع ثلث (یک سوم) با سهام دیگر:

- ۲۵- اجتماع ثلث با نصف: تکراری (در شماره ۵: ممکن)
- ۲۶- اجتماع ثلث با ربع: تکراری (در شماره ۱۱: ممکن)

۲۰. به دلیل قاعده: «الأقربُ یمنعُ الأبعد»



۲۷- اجتماع ثلث با ثمن: تکراری (در شماره ۱۷: ممتنع)

۲۸- اجتماع ثلث با ثلثین: تکراری (در شماره ۲۳: ممکن)

۲۹- اجتماع ثلث با ثلث: ممتنع (اصل اجتماع، امکان پذیر نیست).

اجتماع ثلث با ثلث، امکان پذیر نیست؛ زیرا یک سوم سهم مادر البتّه در صورت نبودن حاجب (فرزند یا اخوه) و همچنین سهم اخوه مادری می‌باشد و پر واضح است که این دو سهم با هم جمع نمی‌شوند.

۳۰- اجتماع ثلث با سدس: ممتنع

اجتماع ثلث با سدس، امکان پذیر نیست؛ زیرا یک سوم سهم مادر در صورت نبودن حاجب است، در حالی که یک ششم سهم مادر با وجود حاجب است و از آن جا که وجود حاجب با نبود حاجب قابل جمع نیست، این دو سهم نیز جمع نمی‌شوند.

۶-۳. صورت‌های اجتماع سدس (یک ششم) با سهام دیگر:

۳۱- اجتماع سدس با نصف: تکراری (در شماره ۶: ممکن)

۳۲- اجتماع سدس با ربع: تکراری (در شماره ۱۲: ممکن)

۳۳- اجتماع سدس با ثمن: تکراری (در شماره ۱۸: ممکن)

۳۴- اجتماع سدس با ثلثین: تکراری (در شماره ۲۴: ممکن)

۳۵- اجتماع سدس با ثلث: تکراری (در شماره ۳۰: ممتنع)

۳۶- اجتماع سدس با سدس: ممکن

مثال: وراثت متوفی، پدر و مادر با فرزند می‌باشد (که به هر یک از پدر و مادر،

یک ششم می‌رسد و چهار ششم باقیمانده به فرزند داده می‌شود).^{۲۱}

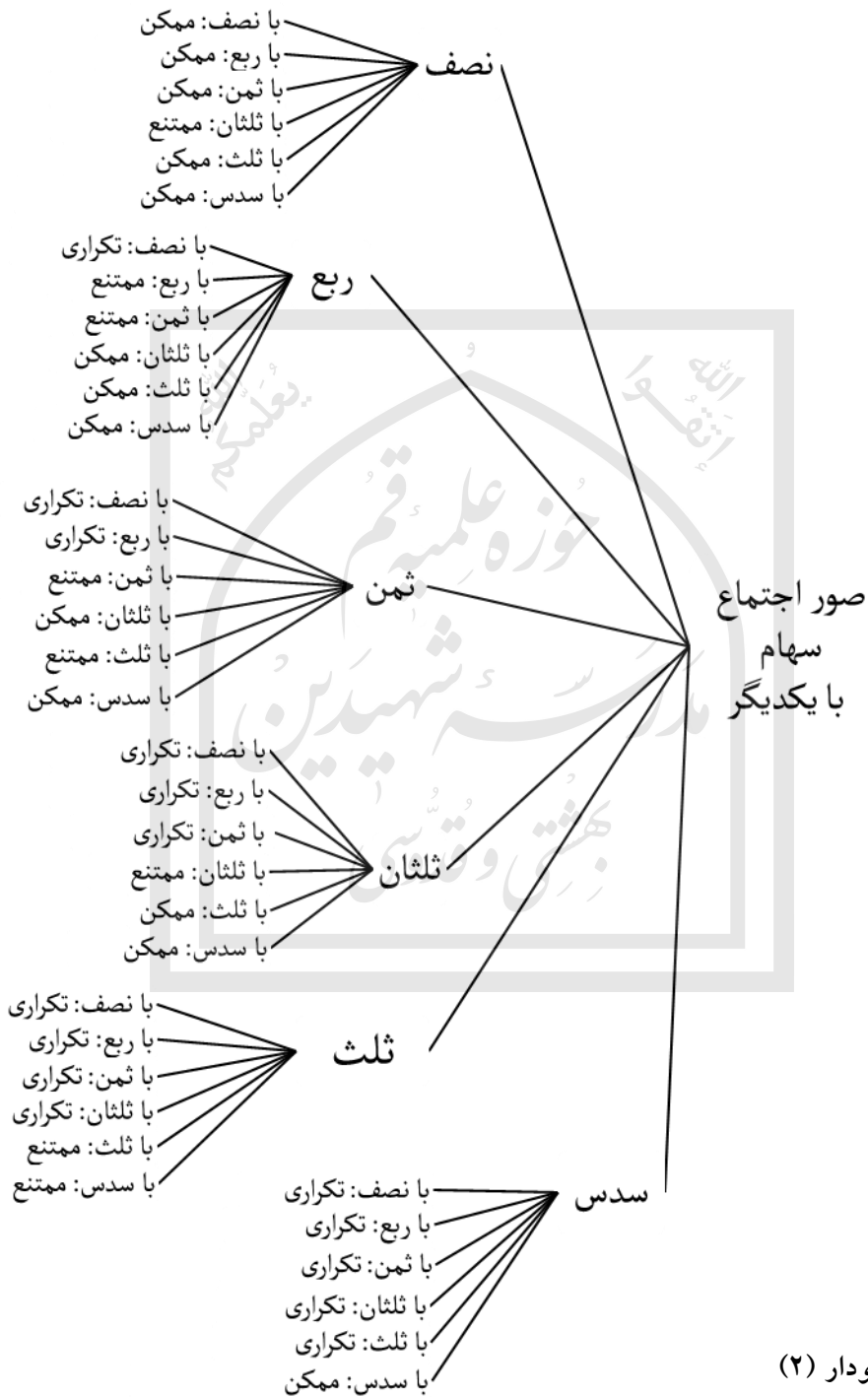
۲۱. شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ص ۱۷۳ تا ۱۷۹؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام

إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱۳، ص ۸۳ تا ۹۳



نمایه
نمودار (۱)







فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، بی نا، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، بی نا، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۴- بستانی، فواد افرام، *فرهنگ ابجدی*، تهران، بی نا، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۵- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الرّوضة البهیة فی شرح اللّمة الدمشقیة*، قم، مجمع الفکر الإسلامی، چاپ نهم، ۱۴۳۵ ه.ق.
- ۶- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.

مدرسه شهیدین
بهشتی و قدوسی